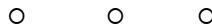


فضای ترویج، تولید و گسترش علم

اشاره

نخبگان جوان دانشگاهی و علمی و افتخارآفرینان عرصه‌های علم و پژوهش در روز عید سعید غدیر (۲۱ بهمن ۱۳۸۲) با رهبر معظم انقلاب دیدار و گفتگو کردند. در آغاز این دیدار فتح‌اله کریم‌زاده، مهدی کاشانی‌راد، سیدمحمدحسن رضوی، آرزو شیخ اکبری، مهرداد هنرور، قدرت اله ترابی، امیر خسروی، حمیدرضا قیصری، امیرحسین لباسچی، زهره اخوان مقدم، غلامحسین سدیفیان، مهدی کشاورز، قدرت‌اله نصیری و هادی فروغمند اعرابی دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل مختلف مطرح کردند.



بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز! خیلی خوش آمدید. عید سعید غدیر را به شما تبریک عرض می‌کنم و این را بدانید که عید ما با دیدن امثال شما جوانهای خوب و با استعداد کشورمان، شیرین تر و دلپذیرتر می‌شود. من این را برای خودم و برای کشور به فال نیک می‌گیرم که در روز عید غدیر - که روز بسیار بزرگ و مهمی در تاریخ اسلام است - با شما جوانهای ارزشمند دیدار می‌کنم. ان شاء الله موفق باشید و حالا ما آماده هستیم که برنامه را همان‌طور که ترتیب داده‌اید، شروع کنیم و ادامه دهید.

○ جذابیت این گونه جلسات

برای من جلسه با جوانان نخبه و سخنانی که ابراز می‌کنند، بسیار جلسه جذابی است؛ نه به این معنا که هرچه گفته می‌شود، لزوماً نظر من بر همان مطلبی است که گوینده می‌گوید؛ نه، ممکن است با هم در

جاهایی اختلاف نظر داشته باشیم؛ مطلبی شما بگویید و من قبول نداشته باشم؛ لیکن از این جهت که من احساس می‌کنم روح مطالبه و خواستن و تصمیم‌گیری برای حرکت و به پیش رفتن در جوانهای ما روزبه‌روز بحمدالله زنده‌تر می‌شود، خوشحالم. راز همه پیشرفت‌ها همین است و این دارد تحقق پیدا می‌کند. در زمینه‌های دیگر تجربه کردیم و دیدیم که هر جا جوانهای ما خواستند و همت گماشتند، به هدف رسیدند و رسیدیم. آنچه من با نخبگان علمی در این چند سال اخیر مطرح کردم، این است که همین همت گماشتن و خواستن و عزم استوار کردن بر مقصود، در زمینه علم هم تحقق پیدا کند. این، حرفی است که من چند سال است که با همه جوانها، دانشجویها و همه اساتید - هر وقت که با آنها ملاقات می‌کنم یا پیغامی بهشان می‌دهم - در میان می‌گذارم و از آنها می‌خواهم؛ و می‌بینم که این کار دارد می‌شود.

مطالبی که دوستان گفتید، نکات خوبی است. البته بعضی از اینها سیاستگذارهای کلان لازم دارد و مورد توجه هم بوده، لیکن سیاستگذاران دستگاه‌های کشور بایستی اعتقاد پیدا کنند و همت بگمارند؛ شدنی است. از جمله، مسئله تغییر بنای آموزش بر مبنای پژوهش - که گفته شد - حرف درستی است. این موضوع را قبلاً هم در جلسه بزرگی از قبیل همین جلسه به من گفته‌اند، با این تفاوت که شرکت‌کنندگان آن جلسه غالباً اساتید قدیمی و مجرب دانشگاه‌ها بودند. در آن جا هم یک استاد کاملاً مورد اعتماد، همین مطلب را بیان کرد. روی این کار تأکید شده که انجام شود؛ منتها شما می‌دانید که این‌طور کارهای بنیانی زمان می‌طلبد؛ ولی فکر، فکر کاملاً درستی است و باید دنبال کرد. نکته جدیدی که در این جلسه چند نفر از شماها تکرار کردید، همان مسئله سازمان نخبگان علمی کشور یا مرکز ویژه‌ای برای امور نخبگان است، که این دوست عزیزمان هم در پایان کار درباره‌ی آن بیشتر توضیح دادند. البته این که چنین جمعی را خود نخبگان باید اداره کنند، در آن تردید نیست؛ یعنی تا کسی خودش با مسائل ذهنی و علمی و عملی مربوط به یک جمع نخبه‌آشنایی و دلبستگی نداشته باشد، نمی‌تواند کار کند. اما سخن در این نیست که چه کسانی آن را اداره می‌کنند - هر جای کشور که مربوط به نخبگان باشد، آنها آن‌جا را بهتر اداره می‌کنند - این کار، کار دولت است و ناگزیر بایستی دولت زیر بار این کار برود. فکر خوبی است؛ منتها وقتی دولت مسئول کاری می‌شود، اداره این مجموعه را باید به کسانی واگذار کند که حقیقتاً شایسته باشند. البته باید سعی شود که این مرکز در دستگاه‌های اداری حل نشود و دستگاهی در کنار دستگاه‌های دیگر و با مشکلات برخی از آنها به وجود نیاید؛ بخصوص رگه‌های سیاسی و سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی اصلاً نباید در این مجموعه کارها بیاید و من به شما تأکید

می‌کنم مراقب باشید که در آن منطقه‌ای که کار علمی هست، اصلاً رگه مسائل سیاسی وارد نشود. معنای این حرف این نیست که یک نخبه علمی نباید سیاسی باشد؛ چرا، ما معتقدیم که مردان خدا و مردان معنوی هم باید سیاسی باشند و در میدان سیاست فعالیت کنند؛ اما این معنایش این نیست که انسان در آن جمع علمی، پژوهشی، صنعتی و کاری - هر نوع کاری - گرایشها و رغبتها و تمایلات سیاسی را تأثیرگذار و تعیین کننده قرار دهد؛ این قطعاً کار را خراب می‌کند. به نظر من یک علت این که بعضی از دستگاه‌های مسئول ما به همین مطالبی که شماها می‌گویید، نرسیده‌اند - در حالی که وظیفه‌شان بوده و بارها هم به آنها تأکید شده - همین است که در آن مجموعه‌ها کسانی به سمت کارهای سیاسی کشیده می‌شدند و انگیزه‌های سیاسی را در کارها دخیل می‌کردند؛ لذا کارها لنگ می‌ماند. کارهای کلانی که مجموعه مدیریت می‌تواند تصمیم‌گیری کند، به عهده خود وزارت است و اصلاً خیلی از کارهای مربوط به این موضوع به مصوبه دولت یا به قانون احتیاج ندارد؛ یعنی خود وزیر در حیطه اختیاراتش می‌تواند تصمیم‌گیری کند. اگر می‌بینیم نشده، اشکال و عیبی در این جاست که من آن را در بعضی از دستگاه‌های مسئول و مرتبط با این مسائل دیده‌ام و آن همان وجود بعضی از گرایشهای سیاسی است که مانع کار شده است.

○ پیگیری حرفهای شما

مطالب دیگری هم گفتید که برخی از مهمترین موارد آنها را یادداشت کردم و امیدوارم که به آنها رسیدگی شود. من معمولاً این یادداشتها را دنبال می‌کنم؛ نباید تصور کنید که اینها دنبال نمی‌شود؛ چرا، دنبال می‌شود، اثر هم می‌گذارد و شما هم اثرش را در خیلی از دستگاه‌های گوناگون و خیلی از کارهایی که جدیداً انجام گرفته - کارهای علمی، پژوهشی و بعضی از پردازشهای لازم در برخی از سیاستهای علمی و پژوهشی - مشاهده می‌کنید. این تأثیرگذاری به خاطر همین دنبالگیری‌هایی است که آنها نیز از حرفهای جلساتی نظیر این جلسه ناشی شده است. بنابراین، این جلسات به نظر من جلسات مبارکی است و برکاتی دارد و ان شاء الله دنبال می‌شود؛ این هم دنبال خواهد شد.

عزیزان من! آن چه من به شما می‌خواهم عرض کنم، این است که شماها کسانی هستید که در این صحنه - که مورد اهتمام ماست - بایستی مثل یک سرباز در میدان جنگ انگیزه داشته باشید و کار کنید. این، لب قضیه است. ما نمی‌خواهیم چیزی را به کسی تحمیل کنیم و این کار مثل سربازگیری اجباری دوران جنگ نیست. در این جا نخبه علمی در میدان پرورش، پیشرفت و تولید علم بایستی مثل یک

سرباز کار کند؛ اما اگر نکرد، کسی یقه او را نخواهد گرفت؛ لیکن یک روز یقه همه ملت و کشور را مشکلات اساسی و بزرگی خواهد گرفت که ما در کشورمان تجربه کردیم.

○ شکستن انحصار علم

حرف من به طور کلی همین است که اگر علم به یک دلیل تاریخی - که آن دلیل تاریخی را هم فکر می‌کنیم کاملاً می‌شناسیم - در انحصار مجموعه‌ای از ملتها و بخشی از مردم دنیا قرار بگیرد و اینها علم را انحصاری نگهدارند و تبعیض قائل شوند و علم را به ملتهای دیگر بفروشند و آن را وسیله‌ای برای تحمیل سیاستهای خودشان قرار دهند - که استعمار اصلاً از همین نقطه به وجود آمد - این، ظلم بزرگ به بشریت است. علم باید مثل ثروت، عادلانه توزیع شود. نظر اسلام هم همین است که علم باید بین همه کشورها و ملتها توزیع شود. این که ما این فناوری را نیاستی به مردم آسیا یا جاهای دیگر بدهیم، همان طلبیدن انحصار فناوری است که وقتی در اقتصاد پیش می‌آید، کارتل‌های عظیم اقتصادی به وجود می‌آید و آنها به انسانها ظلم می‌کنند؛ وقتی در سیاست پیش می‌آید، انحصارگریهای جهانی پیش می‌آید و این جنگها را پیش می‌آورد. ما می‌خواهیم با این انحصارگرایی مبارزه کنیم و مبارزه و همت ما هم به این است که خودمان سعی کنیم از این چاه و منبع عظیم و غنی که در میان کشور و در نیروی انسانی خودمان داریم، بهره‌برداری و استفاده کنیم. این کار را همه ملتها می‌توانند بکنند و ملتی که استعداد بیشتری دارد، بیشتر می‌تواند در این زمینه کار کند. البته مانع و مشکل ایجاد می‌کنند؛ باید با این مانع و موانعی که به طور قهری وجود دارد، مبارزه کرد.

○ ژاپن اسلامی

من شنیده‌ام که در برخی از محافل سیاسی حساس دنیا گفته شده که ما نخواهیم گذاشت یک ژاپن اسلامی در این منطقه به وجود بیاید. آن ژاپن اسلامی، شما هستید. این حرف بیخود هم گفته نشده است؛ برای خاطر این که کشور ما بر حسب آمار از لحاظ - به قول رایج معروف - نرخ سرعت رشد علمی و تحقیقی، در برهه‌ای از زمان و در همین چند ساله، بالاترین نرخ رشد را در دنیا داشته است. البته آنچه که در قدر مطلق و موجودی ماست، باز با پیشرفتهای دنیا هنوز خیلی فاصله داریم؛ اما فاصله بسیار زیادتر بوده و ما توانسته‌ایم که این فاصله را با سرعت بالا، کم کنیم. این موضوع در کشور ما در همین ده، پانزده سال اخیر اتفاق افتاده است. البته الان قدر مطلق‌های ما نسبت به گذشته خیلی تفاوت دارد. بنده از آمار مقاله‌های علمی منتشر شده در مجله‌های معتبر دنیا اطلاع داشتم؛ اما این کار، تولید

مقاله و نشر آن در دنیا، کار مهم و درجه یک نیست و با انجام آن، همه کار صورت نگرفته، بلکه باید این فکر در این جا پخته، تولید و اجرایی شود، به مرحله عمل دربیاید، تا بشود گفت پیشرفت حاصل شده است. البته در همین زمینه‌ها هم خیلی کار در کشور صورت گرفته است و ما حرکت کرده و به راه افتاده‌ایم.

○ نهضت نرم‌افزاری

یکی از مهمترین قسمت‌های یک حرکت، «شروع حرکت» است که ما این قسمت را شروع کرده‌ایم؛ یعنی آن قدرت بالایی که متکفل شروع و راه‌اندازی است، این حرکت را به برکت انقلاب و نظام اسلامی سرمایه‌گذاری کرده است. شما این را بدانید که اگر این کشور به برکت انقلاب، کار رهاسازی نیروها و توانها را به خود نمی‌دید و بنا بود که مثل همان‌چه که در خیلی از کشورها هست، در این نظام نیز وجود داشته باشد، مطلقاً چنین پدیده عظیمی در کشور ما به وجود نمی‌آمد. البته ما فقط راه افتاده‌ایم. این خیلی مهم است؛ منتها باید این راه را برویم. همه حرف من در این چند سال همین است که می‌گویم باید این حرکت انجام بگیرد؛ کننده کار هم صاحبان استعداد هستند. البته مسئولان و وظایف بسیار مهم و لازمی را بر عهده دارند؛ در این هیچ تردیدی نیست. گاهی تخلفاتی هم می‌شود؛ بخشی هم عمل می‌شود. داریم برای برطرف کردن این مسائل تلاش می‌کنیم. شما این را بدانید که بنده به صرف این که بگویم نهضت نرم‌افزاری راه بیفتد، اکتفا نکرده‌ام. یک نهضت - نهضت به معنای جنبش و حرکت و حضور مبارزه‌گر - که با گفتن و دستور و فرمان راه نمی‌افتد، بلکه باید زمینه‌هایش فراهم شود. من می‌گویم این نهضت نرم‌افزاری راه افتاده است؛ چرا که امروز خود آن تبدیل به گفتمان و فکر رایج شده است. این خیلی اهمیت دارد. خیلی‌ها به این که ما می‌توانیم و باید علم را به وجود بیاوریم و مرزهای آن را بشکنیم و جلو برویم، اصلاً توجه نداشتند. همین مطلب که بعضی از دوستان گفتید، درست است؛ حافظ بودن کافی نیست. بعضی‌ها اکتفا می‌کردند به این که دانسته‌های دیگران را حفظ کنند؛ اما امروز این میل، عزم و احساس در خیلی از جوانان، اساتید و نخبگان ما به وجود آمده که باید علم را تولید کرد. من هم همین را اصرار دارم و دنبال می‌کنم؛ کننده کارش هم شماها - مجموعه کسانی که اهل علمند و بخشی از آنها شما نخبگان هستید که الان این جا تشریف دارید - هستید. باید همت کنید. نباید دلسرد شوید. همچنان که این برادرمان گفتند: «ما هستیم و خواهیم بود». باید هم باشید. باید هم بکنید. وظیفه تاریخی ما و شماست. سرنوشت آینده این کشور به همین تصمیمی که امروز ما خواهیم گرفت و عملی خواهیم کرد، بستگی دارد.

○ مراقبت از خود

البته این برادر و جوان عزیزمان راجع به ارتباط با حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نافداه) مطلبی را بیان کردند. بزرگی می‌گفت کسی به من مراجعه کرده و گفته چه کار کنم که خدمت حضرت برسم. ایشان گفت من به او گفتم که شما اگر به واجبات عمل کنید و از محرّمات اجتناب و کمی مراقب خودتان باشید، حضرت پیش شما می‌آیند؛ شما لازم نیست زحمت بکشید و پیش حضرت بروید. راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته‌اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدم خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه جمال الهی در آن جلوی پای انسان گذاشته‌اند. خصوصاً شماها که جوانید و دل‌هایتان پاک است، آمادگی دارید و برای شماها خیلی آسانتر است. حالا شما خیال می‌کنید که ما در این جا راه ویژه‌ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دل‌های پاک و صافی دارید، پاینده‌ها و دل‌بستگی‌هایتان کمتر است و خیلی راحت‌تر می‌توانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملاً میسر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می‌آید. البته کسی معصوم نخواهد شد که هیچ خطایی از او سر نزند؛ اما اگر مراقب باشیم، لغزشهای ماکم خواهد شد و اگر یک وقت هم لغزشی پیدا کنیم، با مغز به زمین نمی‌خوریم؛ این خاصیت مراقبت است. اسم این مراقبت در فرهنگ اسلامی چیست؟ تقوا. وقتی می‌گویید باتقوا باشید، یعنی مراقب باشید؛ مراقب کار خودتان باشید، مواظب باشید چه می‌گویید و چه تصمیمی می‌گیرید و چه عملی می‌کنید. این مراقبت موجب می‌شود که انسان نلغزد و اگر لغزید، خیلی صدمه نخورد.

○ بودجه پژوهش

یکی از برادران راجع به درصد بودجه‌ی پژوهش، گفتند که یک‌ونیم درصد بودجه قرار بوده برای کارهای پژوهشی گذاشته شود که چهار دهم درصد شده است. البته این آمار کاملاً غیر از آماری است که در آخرین جلسه‌ای که - به نظرم آخرین جلسه یا جلسه با هیأت دولت بود و یا یکی از جلسه‌های رسمی در یک ماه اخیر - داشتیم، مطرح شد. آماری که در آن جلسه مسئولان و یا فکر می‌کنم خود آقای رئیس‌جمهور درباره سهم بودجه پژوهش به من گفت، با آنچه که الان از این برادرمان شنیدم، کاملاً تفاوت دارد. من ان شاء‌الله این را در ذهنم نگه می‌دارم و بیشتر درباره‌اش تحقیق می‌کنم. آنچه که به من گفته شد این است که بودجه پژوهش از چند سال قبل خیلی بیشتر شده؛ به نظرم دو یا سه

برابر شده است.

من چند ماه قبل دیداری از دانشگاه شهید بهشتی داشتم - که شاید بعضی از شماها از آن دانشگاه باشید - و مراکز پژوهشی آنجا را دیدم که خیلی برایم جالب بود. بعد هیأتی را معین کردم که آنها با یکایک زبندگان و نخبگانی که من از پژوهشگاه‌هایشان بازدید و با آنها صحبت کرده بودم، صحبت کردند و خصوصیات مورد نظرشان را از آنها پرسیدند، رویش بحث کردند و آن موارد را به جریان انداختند که کار اجرایی شود. یعنی دوست داریم که این کارها اجرایی شود و ان شاء الله هم خواهد شد.

○ فضای ترویج نه فضای گلخانه‌ای

یکی از برادران مثال گلخانه را زدند، که مثال درستی نیست. فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه‌ای از جامعه، بایستی علم به وجود بیاید؛ نه. بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. فضا، فضای علمی خواهد بود؛ فضای تحقیقی خواهد بود. منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود بیاید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و از این قبیل مراکز. بنابراین بحث گلخانه‌سازی و فضای گلخانه‌ای درست کردن اصلاً وجود ندارد. گلخانه به درد این می‌خورد که یک چیز زینتی درست کنند که وقتی گلی بیرون آمد، چند ساعتی، بیست و چهار یا چهل و هشت ساعت روی میزی بماند، والا آن گل دیگر به درد نمی‌خورد، بلکه باید فضایی باشد که بشود این محصول را حفظ کرد و از آن بهره برد.

بار دیگر به شماها که از دوستان عزیز و برادران و خواهران و فرزندان من هستید و من به همه شماها علاقه دارم و به همه‌تان دعا می‌کنم و امیدوارم که موفق باشید، این عید سعید و همچنین بیست و دوی بهمن را تبریک عرض می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهم که به شماها توفیق دهد که بتوانید آن وظیفه سنگینی را که امروز بر عهده نخبگان کشور ما هست - که بحمدالله از استعدادهای بالایی هم برخوردارند - ان شاء الله انجام دهید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

